

درس‌های از فلسفه‌آسایی

د محضر استاد علی تبرانی

۱۶

برای توضیح این مطلب مقدماتی ذکر شود

میکنید.

شماطور که در علم الهی ثابت شده و در احادیث

تیو او طوبین اهل بیت علیهم السلام اللہ رسیده برای

نفس انسانی، انسانی از وجود است که نظر پیش از آنها

در این نشانه دنیوی و پیش از آنها پیش از این نشانه

و بعد از آنها پیش از این نشانه

و جوگذاری در این نشانه برای اوست پیش از آنها

جوانی و پیش از آنها طبیعتی بیان و پیش از آنها

طبیعی غیرپردازی چون طبیعت مرک جاذب و طبیعی

عنصری پیش از طبیعت و انتقالاتی از پیش از این وجودات

بسیار پیش دیگر برایش روح بدهش هفته با حركت و

هدومند با گذشت زمان و هم‌آتش با استحاله و تحول

ماده عنصری است.

و وجودانیک پیش از این نشانه برای اوست پیش از آنها

آنها نشانی (۱) و پیش از آنها پیش از آنها

فتنه‌ای الهی است و انتقالاتی که در آنها وام شود

برزوی وجودی با غافل و ابداع می‌باشد

تعالی و حرفت است جه و سلطارت با ماده عصی.

۱- احتلال دارد که مقصود از عالم در که در قوان

کویم بدان اشاره شده و در روایات از آن حق رفته که

همه اولاد آدم در آن تحقق پائمه و موره پرست تکوینی و

که کلام "الست بریکم" - آیا نیست آفریدگار شما فوار

گرفته و پایخ تکوینی با بن پرست را بنام (بله) بالا (د)

داده‌اند، همین خود وجود نهانی و قلی طوی انسانی

پاشد.

و وجودانیک پیش از این نشانه برای اوست پیش از

آنها حیوانی حسی و پیش از آنها نفسی خالی و پیش از

از آنها علیق قدسی است و بلکه پیش از اینها زمان و پیش از

بنظام اولانی که مقام‌سددی است، برایش انتقام از

وجود است که مقصود از عالم در که در قوان

نوشای که برای علوم سلطنت شده بیرون است.

پس از میان این مقدمه مکونم: بیان‌برایان حشر طبتر

کلی بر دوگه است ۱- هر نزولی که محتور شدن از

مرزه بالا از این وجود برپتی باشند تری از وجود است و این

حشر برای وجودات پیش از اینها پیش از این نشانه است که

ملوک که مقصود از عالم در آن تحقق پائمه و موره پرست

و زمان و ماده است ۲- هر نزولی که محتور شدن از

مرزه پایین تری از وجود برپتی با این از اینها زمان و پیش از

این حشر برای وجودات پیش از اینها در این نشانه و پیش از

از این نشانه است و مقصود شش حشرانیک برای وجودات

در این نشانه است

قشای الهی است و انتقالاتی که در آنها و این میشود

برزوی وجودی با غافل و ابداع می‌باشد

تعالی و حرفت است جه و سلطارت با ماده عصی،

۱- احتلال دارد که مقصود از عالم در که در قوان

کویم بدان اشاره شده و در روایات از آن حق رفته که

همه اولاد آدم در آن تحقق پائمه و موره پرست تکوینی و

که کلام "الست بریکم" - آیا نیست آفریدگار شما فوار

گرفته و پایخ تکوینی با بن پرست را بنام (بله) بالا (د)

داده‌اند، همین خود وجود نهانی و قلی طوی انسانی

پاشد.

و وجودانیک پیش از این نشانه برای اوست پیش از

آنها حیوانی حسی و پیش از آنها نفسی خالی و پیش از

از آنها علیق قدسی است و بلکه پیش از اینها زمان و پیش از

بنظام اولانی که مقام‌سددی است، برایش انتقام از

وجود است که مقصود از عالم در که در قوان

نوشای که برای علوم سلطنت شده بیرون است.

پس از میان این مقدمه مکونم: بیان‌برایان حشر طبتر

کلی بر دوگه است ۱- هر نزولی که محتور شدن از

مرزه بالا از این وجود برپتی باشند تری از وجود است و این

حشر برای وجودات پیش از اینها پیش از این نشانه است که

ملوک که مقصود از عالم در آن تحقق پائمه و موره پرست

و زمان و ماده است ۲- هر نزولی که محتور شدن از

مرزه پایین تری از وجود برپتی با این از اینها زمان و پیش از

این حشر برای وجودات پیش از اینها در این نشانه و پیش از

از این نشانه است و مقصود شش حشرانیک برای وجودات

در این نشانه است

توسط حرکت و کشش زمانی و تحولات

او این نشانه است، همه از این ماده عصی،

آنست ولی پیش از آنها حالی از مذاق، مشکل و حرکات

بوزیری و ملوون بر حركات معمولی تلقی و شوی الهی

اینک احوال کی این قسم حشرهای بدینه و پاک می‌نمایم:

پس از نزول و حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

بررسی جزئی می‌نمایم در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

این حشر برای وجودات نفس انسانی در این نشانه و پیش از

دور انقلاب

دکتر علی غضنفری

های معمولی پوشیده و زیرگنایی که انجام میشود و سا
خراب گردید و نیمتر رندهایی میباشد سطح اراده معلوم الحال
به آفراد مومن و ساخته شده، موجب میشود که افرادی که
در حال نکمال و دسیسه ای و بزرگیهای اسلامی هستند و
در این محضات غواص گویانند. با این نوع پذیرش در
خان اولی امر خوب را کار گشته. اگر دوست اسلام را
به گذیخته و مادرسوی دیگر به نکار گردید و اسکن روزیم
گذشته در امور دولتی اسلامی مبدیل کیم اگر هر چیز
جایده را در جریکهای مطلق و دور از والعیت عوارد نهیم و
اگر احادیث و احادیث ائمه کاظمین حاضر را با فکرهای سخر
از هم کلمم، بدون نیت ساسته مینمایم که همه را
ساسته میمایی. زن خانی مدور اطمینان و مسازد.
دجاج بر لرل و سردگرگی میشود و آنوقت است که اسرار
دجاج هرچ و مرغ داخلی خواهد شد. که آرزوی سیگانگان
است. سرددی نیست که جون گفت اسلام همراه رند
است. روند نکمالی انسانها در دربار است. با همیزی
همراه خواهد گشت، لیکن آنچه که مدور اطمینان را دارد
ورطه عدم اعتماد و اعتقاد به جنین اسلامی میگیرد.
ساسته معمولی "می محسوا و ظاهربازی شده و سلام فریباد
است.

س - پیشنهاد علی عنایت به حقوق بخشندگان مدنی
انقلاب اسلامی ایران جسته است
ج - ما بوسیه از نکت اسلام و پاپان آن و برتری آن
بر ایدئولوژی های دنکر و نظامهای دنکر حق میکنیم لیکن
او یک نکته بنیاندار غافل باشیم و آن اینست که حاضر مادر
جه و قدرتمند و قوی فاراز دارد و خواهیم دید کسدا و بزمیکه ایشان
جسته؟ پس از اینکه حاضر مادر میعنی آنچه که در ایران
دایم، به مرحله ای سکمال بانده و مکنی رشد داده کند
با پذیرش این احتمال بدین معنی و هدفه با آن و بوسیه بر
از آن نصر غروریست که
با الیاذی دینی و عینی و شناخته شده کارهای تراوی مدد

* آنچه که قادر نمیشود، باید آنچنان از ارزش‌های عمیق و چند بعدی پر باشد و تغليظ شده باشد که یارای سراسری و استقامت دیش روی را خود بخود پیدا کند.

میان اینکه اصلاحهای ایده‌اوژنگ، داخلی خوش را اسر
منزد نداشتم و با شست و پر تابی خواهانلایی خوبیده در خوب
با سکر کوده خوش باشم باده همکنی با هر عصده و میان
یک نگاه حسنه ایمان داشته باشم و آن است که نا
فاسدکه موده مردم ارجحت سایی - احیانی - فرهنگی -
انسانی - سعی هنار و میدار شده باشد، از مانعهای
انقلاب به در داخل چنین میکند و به در خارج از
شوریو میان اینکه سود آن دست و دهد.
محبوعه اروشیانی که یک انقلاب دارد، مثلاً باید
در ایران موده مردم خایزکنون عرضه کن لافل شد اتفاقی (که
در ایران بعدون شد فرهنگ امپراتوریستی بود) است و
مردم ایسکار ماده همه امکانها و وسائل مودود را در امور
قرفته، بازخنی که خبر از ایفا کننده باشند میکنند
بلطفه کند و موردهن سود و اکبر در جاتی رسیده و ایشان را
آش ایان را میش از خر کار دیگری فرامم کرد. آنها که از
فرنگیها و میراثهای خرزکهای انتللاس و از عرضه پرسخوا

مدرسی سری

صدور افغان

صدور اقلایا پنهان چه آ، پایه‌های نظری این در دیدگاه اسلامی چنکنه است اما سوابق تاریخی این پیش ایضا و سوانحاتی دیدگر، از جمله مسائلی هستند که اذاعان سیاری از مردم را خود شکل‌گرداند و معمتر اینکه اطمینان درگاهات دند و تغییر سوانح و ماجراهای این در مورد این مقوله، کاه اینها مامات را صد چنان میگند.

س - ممکن است اصولاً مقوله "صدور اتفاقاً" را تعریف کنید و پایه‌های تئوریکو-نظیری آنرا بثابت داده و پیش‌نشانش ارتباط صدور اتفاقاً با مقایه اتفاقاً چهست؟
ج - اصولاً مسطور از صدور نک چشم - حال این چشم درجه کد گشت، بد کالایت، بد ک داشت انت. بد ک ایجاد نموده‌ری انت - بحث ساختن آن و سیس ازده آن به دسای پیارهون انت. برای ساختن چک چشم بدهیم انت که بادهداش آن و داشت و روش ساختن و شوه‌ها را رس فرا گرفت و هفتمان سا آن ناید زمینه و بایو پیدیوش و دندوش ازده کرد، زوایا سهای ساختن می‌خواهی این جزو فقط توجه به درم با شکل‌های خوام پرسید کافایت می‌گذد. اسکت می‌کوئیم خوام پرسید روش ایست که همراهی سهده سرای رس رهیک اطلایان در دوران صداسانی و می‌دانی ای داشته وجود نداشته انت و بایوان الرامی انت که در گام نخست این بخودمان نزد مردم راه نکت خودسازی

* مهمنیت مانع برای صدور اذکار است که آنرا یک "بنای اجتماعی" است که در آن موازین اصلی و مادی آفراد جامد تبیین شده باشند و همچ قدرتی را نیز یاری تحفظی و فرستادنی و آرایش شاخه ساز، شاخه بند، تباشد.

تدليل کیم یا بهر یکوشم رشد بدھم و تکالیف خشم.
آجھے کے صاف مرستود، باید آنچنان از اور سپهائی عصقو
و جندیدی برپا نہد و نعلیط نہد باشد کہ بازاری برابری
استفات و مسروی را خود بخود پیدا کند. در دنیا
ابروز کے سرمادگاری و امیرالاسیم جهانی با فرم غریبیده
خود و استناده از اکارشنهای مادی مردم، آنها را سروی
خود می کنند و از خود بیکانند. آنها را در طول عمرستان
در احیان مرقدها و دردهای خود فوار مددھند، تنها یا یک
سلوح می توان به حنگ درازدست و اندکلولوژک با این نظام
برداشت و در هسن مغوله است که اکارشنهای مادی و مکتبی
اسلام این عنان را دارد و هر چهارسان سی دیگری را نیز پس
خواهد زد. دو دوستان آئند و درسلیمانی آئی. اندکلولوژک
و مکتبی بیرون است که بهترین و موقع نیز است سیوه سارهه را
امیرالاسیم مین اطلی را باشد باند و آن را به نواده های
ستفند چنان خیانته، باشد و عذالت انسانی دوچی
معین و رازملوچه کارهای خود فرازدھد.
فرگاه ای پروردی ای پروردی ای پروردی

در آن موازین اصلی و مادی افراد جامعه
تبیین شده باشد و همچ قدرتی را نیز
یاری تخطی و فرصت طلبی و آرایش
نمایند.

ساده بان ساده پروردی می‌باشد. ساده بان کنم با پیدار یک گوئیم رشد بدشمن و نتایل بحث من. آنچه که صادر نموده است. یاد احمدان از ارشادهای عین و چند بعدی برداشت و تعلیط شده باشد که بازاری برآوری و استفالت و سیاستروی یا حود بخود پیدا کند. در دنیا می‌امروز که سعادت‌آفرین و امیرالاپسیم همایش با فرم فریضه حود و اسماهه از کارشناسی مادی مردم، آنها را بسوی حود می‌کند و از خود بیگانه. آنها را مغ طول عمران در اختیار مقتضاها و دفعهای خود را مدددند. تنها برای سلاح می‌خوان و هنگ درازه و اندیلویزیک با آن نظم پرداخت و روی همسن مولو است کار ارشادهای مدنی و مکتبی اسلام این توأم را دارد و هرچنان می‌شود دیگری رله بیرون خواهد زد. در دنیا اینسته و در سلسله‌های آسی. اندیلویزی رکنست بیرون است که پهلوان و موافق تزمین شووه مساویه با امیرالاپسیم مطلع را باهله ساند و آن که توءه‌هایی سمعت چنان ساده‌باده و عدالت اجتماعی و رفع

مشعل را سرمهد گارهای خود فراورده.
هرگاه، این ارزشها بعده بر حرجی که بر جلاف
جهت سوان و سلطان است در برخانهای سمات داخلی ما
کنجداده شان، جنونی مدونهای که عرصه خواهد شد، نه
سها ارزش صدور را بهدا منی کند، بلکه بروای آنکه اندشن
عرجه پستره توزه هردم از علت وجودشان و تغییر
تحقیق مادی به انسان مبنی و برمجموا میز زبان آور
خواهیم شد.
در این حادثه و در این میلی که ما زندگی می‌کیم و
توسلت آن را بعده، گرفتاریم به یک بخط سازار حساس
ناروچی رسیده‌گام و هرآزه بدوون روح و با احتمال طلبی-
های مدنیکی را در برپویایی و تکامل اعلاء اسلامی
بخدمت- سلماً شنجاعات خاطری موهعبات بدیده‌گان بکی
الکوی سیار داردیم و عرصه می‌کند و سراج‌جام بخت و
املاً خیال مدور انقلاب مدعی و مهفوی خواهد داشت.
هرگاه، سلطور از صدور فرسانه‌ی جنری از جانبی به جانبی
است، این امر شامل داخلی تکریبی خود می‌باشد. انقلاب
ماده از هست درسته، اجتماعی، اقتصادی، سیاستی و
سیاستی و دور افتاده‌ترین ناطق‌گذار سود و سیاست
با انتوسی که سوار از ارزشها راستین و اصل اسلامی
است، به تمام دنیا شان‌داده تند، و آن‌قدر است که
جوده صدور ناخداعی لبیدر به بیوایی حیوتی امانته-
نه و بیازی معهود است که ما آن را صادر کیم، زیرا
حود صادر می‌بود.

س - سیاستی دارگشای این مکله هیچ عومنه تاریخی
را میتواند ذکر کند.
ج - میان درگی اینجعات است که مباید بعثاطر
بروحی سکندهای های تصریح با گروهی با جزوی و براف
اند احسن حار و ححال های باسطرور، راه را برپاساندن
کل پویای اسلام بسیدم، برخورد های سیاسی - مکتبی
که در جاروی موابای اطمینی و موای سازندگی و رست
اکاذیب باشد، بعون هیچ در بدی سبب خواهد شد که
نوده مودم مان یک گرفتاری زوف ایرانیها اخلاق را
هرچه درازتر و با قدرت تر بگیرد و در این کری
امثل درازمدت اخلاق اسلامی هرجه سیر و پرجه و از
کلوای باشد، من مارهای گذشتم که ام از ورود آر مرحل
کنید و نادی موران شاهنشاهی سه مراحل اخلاق اسلامی
میتوان نا تکنیکی کویاه مدت میان رفت، سا در حیان
من میگذرد سه راه بروند و شودند، ولی میزای رسیدن به طله
بلطفه داده باشد، مباید تربیت اسلام درازمدت و پوخته و
ازرسیده داشته باشد، با اینکه با دو دین هنچگاه به آن
پرسند.

